



چهارشنبه 13 دی 1396 - 15 ربیع الثانی 1439 - 3 ژانویه 2018

آغاز "کنفرانس گوادلوپ" با حضور سران کشورهای غرب برای بررسی اوضاع ایران (1357 ش)

آغاز "کنفرانس گوادلوپ" با حضور سران کشورهای غرب برای بررسی اوضاع ایران (1357 ش) در مقطعی که سراسر ایران، در تظاهرات و راهپیمایی علیه رژیم پهلوی بود و هر لحظه ضعف و انحطاط آن، بیشتر نمایان می‌شد، سران چهار قدرت بزرگ غرب به پیشنهاد فرانسه، در جزایر گوادلوپ در شرق دریای کارائیب در آمریکای مرکزی گرد هم آمدند و به بررسی رویدادهای ایران و آینده آن پرداختند. در این کنفرانس، جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا، هلموت اشمیت، صدراعظم اسبق آلمان غربی، جیمز کالاهان، نخست وزیر انگلستان و ژیسکار دستن، رئیس جمهور وقت فرانسه، با هدف حفظ منافع خود در ایران، به تبادل نظر پرداختند. کارتر معتقد بود، به علت وضعیت حاکم بر ایران، دیگر امکان حمایت از شاه وجود ندارد. وی توانست، سران سه کشور دیگر حاضر در گوادلوپ را با خود همراه سازد و برای ارتباط با دولت بعد از رژیم پهلوی، به برنامه‌ریزی بپردازند. ضمن آن که ژیسکار دستن امیدوار بود با توجه به حضور امام خمینی(ره) در فرانسه، بتواند نقش واسطه با نیروهای مخالف رژیم شاهنشاهی را ایفا نماید. با شکل‌گیری این کنفرانس و سپس نتایج آن، محمدرضا پهلوی که تصمیم به خروج از ایران داشت، کار خود را به کلی تمام شده دید و متوجه شد که دیگر حمایت‌های پیشین غرب برای او و رژیم شاهنشاهی وجود ندارد. آغاز به کار نخستین گردهمایی جنبش‌های آزادی‌خواه؛ بخش جهان در تهران (1358 ش)

نخستین گردهمایی جنبش‌های آزادی‌بخش جهان در تهران گشایش یافت و نمایندگان نهضت‌های آزادی‌خواه؛ بخش در آن حضور یافتند. شناساندن ابعاد عمیق و گسترده انقلاب اسلامی به جهانیان، معرفی نهضت‌های آزادی‌خواه؛ بخش جهان و فراهم آوردن زمینه‌های مساعد برای وحدت هرچه بیشتر این نهضت‌ها در برابر ظلم و جور امپریالیسم جهانی، از اهداف اصلی این گردهمایی بود. بلاغ پیام تاریخی امام خمینی(ره) به "گورباچف" رئیس جمهور اتحاد جماهیر شوروی (1367 ش)

به قدرت رسیدن میخائیل گورباچف در اتحاد جماهیر شوروی، موجب تحولات عظیمی در جهان کمونیسم گردید. حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که ناظر جریان‌های مهم سیاسی بین‌المللی بود، از این فرصت به نحو احسن استفاده کرده و با دعوت جهان کمونیسم به اسلام، در صدد برآمدن تا خلاء به وجود آمده از فروپاشی ماتریالیسم را با جایگزینی اسلام ناب محمدی(ص) پُر نمایند. به همین جهت هیأتی را به سرپرستی حضرت آیت‌الله جوادی آملی به مسکو اعزام داشته تا پیام کتبی معظم‌له را به گورباچف در دعوت به اسلام ارایه دهند. امام خمینی(ره) در این پیام با بینشی برخاسته از مکتب وحی و فراتر از وقایع روزمره و اتفاقات سیاسی، به ترسیم این رویداد مهم پرداختند. استفاده دقیق و بهنگام از این فرصت تاریخی در جهت ابلاغ ندای فطرت و پیام توحید، بیان غنای دین مبین اسلام و آمادگی حوزه‌های علمی و پژوهشی جهت پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی نسل معاصر، برقراری رابطه معنوی و ابراز همدردی و حمایت از مسلمانان شوروی و دیگر کشورهای بلوک شرق، ایستادگی نظام جمهوری اسلامی ایران بر اصل خدشه‌ناپذیر نه شرقی نه غربی و مبارزه با شکل‌های استکبار در چهره‌های مختلف آن، پیش‌بینی شکست قطعی مارکسیسم در میدان عمل و فروپاشی نظام الحادی کمونیسم، هشدار جدی نسبت به فروغلتیدن در دام قطب دیگر استکبار جهانی و نظام سرمایه‌داری غرب، تحقق وعده‌های الهی و بازگشت نهایی جامعه انسانی به فطرت خداجوی خویش، از جمله ویژگی‌ها و نکات برجسته این پیام است. امام خمینی(ره) در بخشی از این پیام فرمود: "برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد، چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست... از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلام است."

درگذشت "نیمایوشیج" شاعر نوسرای معاصر (1338 ش)

علی اسفندیاری معروف به نیمایوشیج در سال 1276 ش در روستای یوش در استان مازندران به دنیا آمد. او در مدرسه چندان موفق نبود و به تحصیلات آکادمیک اهمیتی نمی‌داد. انقلاب‌های اجتماعی سال‌های 1300 و 1301، نیما را به کناره‌گیری از مردم و زندگی در میان جنگل‌ها و دامن طبیعت و هوای آزاد کشاند و در آن‌جا اشعار بیشتری سرود. نیما از 1311 ساکن تهران شد و تا اواخر عمر در آن جا ماند. نیما با حرکتی که در طول زندگی خود داشت، نشان داد که از شعر و هنر، ادراکی عمیق و تازه دارد و شایستگی این را داراست که در عرصه سرشار و پر بار ادب فارسی، بنیانگذار شیوه‌ای نوین باشد. بنابراین نیما، شعری را وارد صحنه ادب فارسی نمود که در عین دارا نبودن قافیه و ردیف، دارای وزن و هجا بود. این سبک شعر به شعر نو و شعر نیمایی مشهور است و افراد فراوانی به پیروی از سبک او، هنر آزمایی کرده‌اند. شعر آزاد نیمایی تفاوت‌های آشکاری با شعر سنتی

درگذشت "پیر لاروس" ادیب و لغت‌شناس معروف فرانسوی (1875م)

پیر لاروس ادیب و لغت‌شناس بزرگ فرانسوی در 23 اکتبر 1817م در خانواده‌ای فقیر در شهر پاریس به دنیا آمد. وضع مالی پدرش به قدری بد بود که قدرت نداشت حتی برای پسرش یک لباس آبرومند خریداری نماید و پیر با شلووار پاره و مندرس در دبستان و دبیرستان مورد تمسخر و استهزاء دانش‌آموزان قرار می‌گرفت. او تا 15 سالگی در کارگاه پدرش به عنوان شاگرد آهنگر، اسب را نعل می‌کرد. لاروس سپس تحصیلات خود را در شهر ورسای فرانسه ادامه داد و در این زمان، کتب منتشر شده در فرانسه و سایر نقاط جهان را مطالعه می‌کرد. وی از این زمان، درصدد تهیه فرهنگی جامع برآمد و با پشتکار فراوان، فرهنگ خود را به نام لاروس تکمیل نمود. تا اینکه با اتمام تحصیلات وی، فرهنگ او نیز کامل شد و انتشار یافت. او قبل از آن، تالیفات خود را از کتب لغت و دستور زبان برای تدریس در مدارس و انتشار روزنامه تعلیم و تربیت برای دانش‌آموزان آغاز کرده بود و سپس به تدوین این دایرةالمعارف بزرگ پرداخت. در این هنگام در فرانسه کسی نبود که اسم لاروس را نشنیده باشد. پیر لاروس فقط مبدع دایره‌المعارف نیست بلکه او نخستین کسی است که کتاب‌های تدریسی آموزشگاه‌ها را تدوین و روش آنها را عوض کرده و به صورت امروزی درآورده است. لاروس بر اثر کار مداوم بیمار شد تا اینکه در سوم ژانویه 1875م در 58 سالگی درگذشت. اکنون هرساله دایره المعارف و کتب لغت و فرهنگ‌های تاریخی و جغرافیایی متعدد به نام لاروس از طرف هیأت‌های علمی فرانسه منتشر می‌شود که نام لاروس را جاودان ساخته است. داشته، از لحاظ عاطفی بیشتر جنبه اجتماعی و انسانی دارد و تخیل و صور خیال هر شاعر از تجربه شخص او سرچشمه می‌گیرد. او از لحاظ زبان، هر کلمه‌ای را در شعر نو به کار می‌برد با این شرط که با کلمات همجوار، بیگانه و ناساز نباشد. به نظر او وزن باید تابع احساسات و عواطف شاعر باشد. نیمایوشیج را به حق، پدر شعر نو فارسی می‌خوانند. از نیمایوشیج به غیر از مجموعه اشعار، آثار دیگری به چاپ رسیده است از جمله: داستان‌ها، اشعار، آثار تحقیقی، یادداشت و نامه‌ها. نیمایوشیج سرانجام در شانزده دی ماه 1338ش در هفتاد سالگی در تهران بدروود حیات گفت و در امامزاده عبدالله تهران به خاک سپرده شد. سی و چهار سال بعد، در دی ماه 1372، به همت مردم نور و یوش، پیکر نیمایوشیج از امامزاده عبدالله تهران به زادگاهش، یوش منتقل شد و در آن‌جا مدفون گردید.